

استعفای مدیر دفتر موسیقی به علت یک قانون ضد فرهنگی

اعتراضات شدت گرفته، پاسخگو باشید



بیبا یاری

با هنرمندان صراحتاً جانب دولت را نگرفته و هم‌راستا با منافع هنرمندان قدیمی برداشته است تا آنجا که عطای میز و پست را بخشیده تا در برابر این قانون غیر کارشناسی شده با تمام توان بایستد.

علی‌ترابی اولین مدیری نیست که در وزارتخانه ارشاد با برخی سیاست‌های نامعقول دولت، بخوانید رفتارهای غیر فرهنگی، موافق نبوده و نیست اما می‌توان گفت علی‌ترابی در کمال خوشنامی، سابقه درخشان

و تحول‌گرای مثبت، و البته مقبول و موجه از نظر مدیران بالادست در وزارت ارشاد، اولین مدیری است که برخلاف سوابق ارزنده در برابر یک قانون نادرست رسماً ایستادگی می‌کند و خود را در برابر دولت و وزارت ارشاد (مافوق خویش) قرار می‌دهد. او بهترین شیوه مواجهه و اعتراض را برگزیده است. چرا که دریافته حالا که وزیر فرهنگ و ارشاد بدون اخذ نظر موافق مدیر دفتر موسیقی و معاون هنری، به طرح موضوع در هیات

دولت پرداخته و به گرفتن نظر موافق دولت اقدام کرده است و از آنجا در سیر مراحل، دولت نیز نظر وزیر ارشاد را به مجلس برده و آن را سرانجام در کمیسیون تلفیق جزو بودجه سال ۹۸ مصوب کرده، در نتیجه تنها اقدام موثر برای مدیری که نمی‌خواهد به تضعیف حق اهالی موسیقی مشهور شود رها کردن سمتی است که باید از هنرمندان این مطالبه‌ناپذیر دولت را داشته باشد. چرا که ترابی به درستی می‌داند عمر اینگونه دستورات

ترابی به درستی می‌داند عمر اینگونه دستورات و دولت‌ها گذرا تر از عمر هنرمندان هستند و در کارنامه هر مدیر دولتی عملکرد دولت‌هاست که نوشته می‌شود و اکنون این اقدام خط‌طلان بر تمام سوابق ارزنده این مدیر شایسته می‌کشد ضمن اینکه دوباره موسم انتخابات فرا می‌رسد و هنرمندان بر سر زبان‌ها خواهند افتاد. از این رو ترابی که همواره مراقب بود در کارنامه مثبت‌اش نمره سیاه منفی نداشته باشد سمشش را رها کرد. هر چند این مساله تاسف‌برانگیز است که چرا وزیر ارشاد به مجموعه مدیران کارشناسان حوزه موسیقی زیرمجموعه خودش بی‌توجه است و تا استعفا و متعاقباً جنجال پرسر و صدایی صوت‌نگیرد وقتی به مساله نمی‌نهند، مساله‌ای که با استعفای مدیر دفتر موسیقی در روزهای آتی وارد فزای اعتراضات بیشتر خواهد شد. آنچنانکه عده‌ای از موزیسین‌ها به سراغ کمیسیون فرهنگی مجلس رفته‌اند و آنگونه که

طیبه سیاوشی نماینده محترم عضو کمیسیون فرهنگی ابراز کرده است این قانون در کمیسیون فرهنگی رد شده اما کمیسیون تلفیق که به خوبی می‌دانیم مهمترین وظیفه‌شان در آوردن تراز دخل و خرج دولت از منظر بودجه سالانه است مهر تصویب را بر آن کوبیده. از این رو معترضان با دست‌پرتی جهت مواجهه به این قانون وضع می‌کنند اما در جبهتی کاملاً عکس‌الحق موزیسین‌ها را با این قانون تضحیح کرده است.

دولت‌ها گذرا تر از عمر هنرمندان هستند و در کارنامه هر مدیر دولتی عملکرد دولت‌هاست که نوشته می‌شود و اکنون این اقدام خط‌طلان بر تمام سوابق ارزنده این مدیر شایسته می‌کشد ضمن اینکه دوباره موسم انتخابات فرا می‌رسد و هنرمندان بر سر زبان‌ها خواهند افتاد. از این رو ترابی که همواره مراقب بود در کارنامه مثبت‌اش نمره سیاه منفی نداشته باشد سمشش را رها کرد. هر چند این مساله تاسف‌برانگیز است که چرا وزیر ارشاد به مجموعه مدیران کارشناسان حوزه موسیقی زیرمجموعه خودش بی‌توجه است و تا استعفا و متعاقباً جنجال پرسر و صدایی صوت‌نگیرد وقتی به مساله نمی‌نهند، مساله‌ای که با استعفای مدیر دفتر موسیقی در روزهای آتی وارد فزای اعتراضات بیشتر خواهد شد. آنچنانکه عده‌ای از موزیسین‌ها به سراغ کمیسیون فرهنگی مجلس رفته‌اند و آنگونه که

نگاه

هر دم از این باغ بری می‌رسد

سورج باسایبی

در جریان برگزاری کمپین‌های انتخاباتی یکی از مهمترین مطالبی که در حوزه هنر و خصوصاً موسیقی به‌وسیله آقای روحانی و تیم همراهشان مرتباً تکرار می‌شد، شکل تقابل حاکمیت با موسیقی و هنرمندان بود. حفظ کرامت هنرمندان در کنار دیگر آحاد جامعه هشتاد میلیون سرزمین عزیزمان، آنچنان از نگاه آقایان پراهمیت بود که چندین صفحه تحت عنوان حقوق شهروندی، به‌وسیله مشاوران آقای رئیس‌جمهور تهیه و منتشر شد. در عمل اما آنچه اتفاق افتاد، هیچ‌اگر تباطی با تکریم هنرمندان نداشت. استفاده از شیوه‌های مختلف ممیزی در کنار محروم ساختن هنرمندان از اجرا و این اواخر هم تصویب قانون عجیب معروف به ۱۰ در صدی و در نهایت هم بستن صفحات چند موزیسین!

هنوز جمله آقای روحانی در مناظره انتخاباتی در خصوص شیوه برخورد در دولت پیش‌دهم با استاد شجریان را به خاطر دارم. اینکه آقایان به راحتی و برای رسیدن به ساختمان پاستور یا بهارستان، از احساسات مردم استفاده می‌کنند ظاهر آیه سنتی انتخاباتی تبدیل شده است، که هر بار به شکلی تکرار می‌شود.

آقای رئیس‌جمهور، هنرمندان کشورمان خسته‌اند، سالهاست در آغاز فقط وعده شنیده‌اند و هر بار در انجام با کلکسیونی از بی‌تدبیری و بی‌مسئولیتی تنها مانده‌اند.

آقای رئیس‌جمهور، هنرمندان هم در کنار مردم کشورمان، زیر بار تورم و رکود و ترس از جنگ و نگرانی از آینده مبهم، کمرشان شکسته است و دیگر تاب تحمل بار مضاعف را ندارند. بر خوردهای سلیقه‌ای و نگاه‌های تحقیرآمیز به اهالی خانواده بزرگ موسیقی، در این زمان نه تنها تقلیل نیافت، که روز به روز بیشتر شد، و شاه‌بیت همه بی‌مسئولیتی‌ها، ارائه و تصویب قانونی برای جبران کمبودهای خزانه از جیب هنرمندان است.

آقای رئیس‌جمهور، به عهدی که با هنرمندان بستید، بازگردید. کمترین مطالبه جامعه موسیقی لغو این قانون و عذرخواهی طراحان از جامعه موسیقی است.

فرادید

بستن صفحات نوازندگان خیابانی



«با دستور مقام محترم قضایی، به دلیل انتشار محتوای مجرمانه، این نشانی اینترنتی توقیف شده و عوامل دخیل در جرائم موضوع پرونده، تحت تعقیب قضایی قرار گرفتند.»

این پیغام پیش از آنکه به طور کلی صفحات اینستاگرامی موزیسین‌هایی چون آسو کهن‌ادی، مهرداد مهدی و نغمه مرادآبادی از اینستاگرام پاک شود در صفحاتشان به نمایش درآمد که خود در آمد حوادثی است که هنوز کیفیت و رویدادهای دیگر آن مشخص نیست. اما هر چه هست بسیاری از گمانه‌زنی‌ها این اقدام قوه قضائیه را مربوط به اتفاق ایپانه می‌داند و آن ویدئوی زیاده‌دیده شده در اینستاگرام که آواز خواندن در ایپانه را نشان می‌داد. هر چه باشد امیدواریم قوه قضائیه به سوابق این موزیسین‌ها نگاهی بیاندازد و فیلمهای نوازندگی آنها را در خیابان بارها بازبینی کند چرا که این نوازندگان هرگز در پی برهم زدن نظم عمومی و یا شکستن قانون نبوده و نیستند و تنها در این وضعیت سخت معیشت‌اندکی بار سختی زندگی مردم را تعدیل می‌کنند.



شده که مدیر دفتر موسیقی و مدیر اجرایی جشنواره فجر منصوب از مدیر دفتر موسیقی استعفا کنند و عملاً جشنواره موسیقی فجر در وضعیت معلق قرار گیرد. وضعیتی که هر چه زمان بیشتر بر آن بگذرد کار سختی را پیش روی مدیر جدید دفتر موسیقی ارشاد خواهد گذارد و چالش‌های نوینی را منجر خواهد شد. چرا که تمایل و رغبت اهالی



جوان که با شور و دانش فنی خود تحرک عظیمی را در این ارکستر پُر خوت، خموده و تکراری منجر شود.

در پی تغییر و تحولات دفتر موسیقی

لطفا جشنواره موسیقی فجر را دریابید

باتجربه و خوشنام را به عنوان شورای انتخاب جشنواره گرد هم بیاورد و رایزنی‌های موثری را در این باره انجام داده بود. و حالا با رفتن او این مجموعه و زحماتش به کل از اعتبار ساقط شده است و جشنواره نیز نیازمند است دوباره به دنبال دبیر اجرایی بگردد که البته کار چندان آسانی نیست و حتی آنگونه که در نامه سرگشاده صارمی آمده بود این سمت را تنها به علت رفاقت و نه شرایط مساعد روزگار (از لحاظ فشار زندگی و معیشت مردم و هم به علت ناسامانی ارزی و کسری بودجه دولت) پذیرفته است کاری که هر کسی سراغ بدنامی و ریسک آن نمی‌رود و تنها افراد باسابقه مدیریت قبلی در حوزه موسیقی، خوشنامی و محبوبیت در اهالی موسیقی می‌توانند عهده‌دار آن شوند و از عهده آن نکو برون آیند. و از آنجاییکه دبیر جشنواره موسیقی

استکاتو

بعد از دو سال بالاخره فریدون شهبازیان از ارکستر ملی کنارت رفت

ضرورت وجود شورای فنی هنری در ارکستر ملی

بالاخره فریدون شهبازیان هم استعفا کرد و ارکستر ملی را رها کرد تا بنیاد رودکی برای رهبری این ارکستر چاره‌ای اگر بخواهد بیابد. نه اینکه تاکنون چاره‌ای نداشت و بنیادشیده بود بلکه شاید این بار همت کند و طرحی نو دراندازد. هر چند با سوابقی که در مدیریت بنیاد رودکی و در کار او از فرهنگ و هنر سراغ داریم بعید می‌نماید که به سراغ مشورت با اهالی فن برود و از آنها مدد جوید تا بلکه راهکاری درست برای

ارکستر ملی پیدا کند اما این خوشبینی را از خود دریغ نمی‌نمایم که شاید او نیز متحول شده باشد و بداند که ارکستر ملی ای که تاکنون چوب رهبری آن را در دو سال گذشته فریدون شهبازیان داشته آنچنان از ملی بودن و ارکستر بودن فاصله‌ها دارد که نمی‌توان به آن دل بست. کافی است یادآور شویم روز افتتاحیه جشنواره موسیقی فجر دوره گذشته را به خاطر بیاورند که چقدر ضعف ارکستر ملی به چشم آمد آنهم

وقتی که خواننده درجه چندم آذربایجانی خواند و رهبر آذربایجانی رهبری کرد و نشان داد چقدر آنها آماتورهای حرفه‌ای تر از حرفه‌ای‌های ما دارند. و لازم است بنیاد رودکی نیز درباره سمت رهبر ارکستر ملی و نوازندگان و خوانندگان همراه ارکستر تجدید نظری نماید. حالا زمان این تجدیدنظر رسیده است و چقدر نیاز به داشتن شورای فنی در ارکستر ملی احساس می‌شود تا از سقوط یکباره این ارکستر به وضعیت اسفناک بدر

وقتی که خواننده درجه چندم آذربایجانی خواند و رهبر آذربایجانی رهبری کرد و نشان داد چقدر آنها آماتورهای حرفه‌ای تر از حرفه‌ای‌های ما دارند. و لازم است بنیاد رودکی نیز درباره سمت رهبر ارکستر ملی و نوازندگان و خوانندگان همراه ارکستر تجدید نظری نماید. حالا زمان این تجدیدنظر رسیده است و چقدر نیاز به داشتن شورای فنی در ارکستر ملی احساس می‌شود تا از سقوط یکباره این ارکستر به وضعیت اسفناک بدر